

چه گروهی را برای تسهیلگری انتخاب کرده اید؟

گروه اول: خانواده خودم (پدر، مادر، برادر و خانومش، من و همسر)
گروه دوم: خانواده همسر (پدرشوهر، مادرشوهر، برادرشوهر و خانومش، من و همسر)
گروه سوم: گروهی از اقوام که دور همی داریم
گروه چهارم: اولیا هم کلاسی پسرانم
گروه پنجم: دوستان دانشگاه

این گروه برای شما که هستند؟ چه فکرها و ذهنیت ها و فرضیه هایی درباره این گروه دارید؟ دو خط درباره آن بنویسید.

گروه اول: صمیمیت بین اعضای خانواده باشد. اونها خیلی بی ذوق و احساسند، من هرکاری کنم باز هم خودشون نمیخوان، بامن همکاری نمیکنن
گروه دوم: صمیمیت بی اعضای خانواده و ابراز صادقانه باشد. خیلی از هم فاصله گرفتن دیگه همیشه کاری کرد، هرکی راضی به همکاری بشه ولی پدرشوهرم خیلی نه، برادرشوهرم خیلی سرد برخورد میکنه همیشه اصلا باهاش وارد گفتگو شد.
گروه سوم: آما بتونن براحتی ابراز کنن، فضا امن باشد. اینها نسبت به هم بی تفاوتن من خیلی نمیتونم کاری کنم، سریع از حرف هم ناراحت میشن، همدیگرو قبول ندارن
گروه چهارم: میخوام آگاهی بخش باشم. خیلی منو تحویل نمیگیرن چون شناختی ندارن، یه بحثی از قبل تو گروه پیش اومد که نسبت به من ذهنیت خوبی ندارن، بیشتر دغدغه نمره و آموزش دارن تا کسب مهارت های اجتماعی
گروه پنجم: باعث پیشرفت و شکوفایی همدیگه بشیم. دغدغه هامون شبیه به هم هست راحتتر میتونیم همدیگرو بفهمیم، اشتیاقی که من برای مشارکت و همکاری دارم، اونها ندارن.

دنیای تسهیلگری شما شامل چه نیت هایی است؟ چه نیت هایی برای تسهیلگری این گروه دارید؟

دنیای تسهیلگری من شامل مهر و عشق، امنیت، درک و همدلی، شنوایی، حمایت، بی قضاوتی، یادگیری و شکوفایی و پیشرفت هست.
گروه اول: مهر و عشق، درک و همدلی، امنیت، حمایت، شنیدن بی قضاوت
گروه دوم: اول: مهر و عشق، درک و همدلی، امنیت، حمایت، شنیدن بی قضاوت
گروه سوم: مهر و عشق، درک و همدلی، امنیت، رهایی در والدگری
گروه چهارم: یادگیری، رهایی در دنیای والدگری، شنیدن بدون قضاوت
گروه پنجم: مهر و عشق، پیشرفت، حمایت و درک و همدلی، باور به توانمندی (عزت نفس)، شنیدن بی قضاوت

چه فرصت هایی برای تسهیلگری این گروه می بینید؟

گروه اول: برنامه ریزی کنم تا فاصله دیدارها کمتر بشه، تماس های تلفنی رو بیشتر کنم، بوس و بغل یهویی، برنامه ریزی برای سفر یا پیک نیک
گروه دوم: اول: برنامه ریزی کنم تا فاصله دیدارها کمتر بشه، تماس های تلفنی رو بیشتر کنم، برنامه ریزی برای سفر یا پیک نیک
گروه سوم: همراه راجع به یک موضوعی همه باهم بحث و گفتگوی دوستانه و صمیمانه داشته باشیم
گروه چهارم: عضو انجمن اولیا و مربیان بشم، جلسات ماهانه ای رو برای والدین ترتیب بدم، دورهمی هایی برای شناخت بیشتر بزاریم
گروه پنجم: قرارهای حضوری بزاریم، یک موضوع مشترک برای تحقیق پیدا کنیم

چه موانعی برای تسهیلگری این گروه دارید؟

گروه اول: برادر و خانومش تو شهر دیگه هستن، رو پایان نامه کار میکنن و سرکار میرن وقت خالی برای بیشتر دورهم بودن ندارن، پدر و مادرم خیلی با رفت و آمد بیشتر همکاری نمیکنن، بچه هام مدرسه میرن و شبها زود میخوابن بیشتر هفته رو همیشه جایی رفت و آخر هفته ها هم که هرکسی برنامه جدا ریخته
گروه دوم: باز مدرسه بچه ها و شبها زود خوابیدن، برادرشوهرم خیلی تمایل به بودن تو جمع نداره و یا خانومش جمع های دوستانه خودشون رو بیشتر ترجیح میدن
گروه سوم: خیلی تمایلی به شنیدن این حرفا ندارن، من اگه بخوام حرفی بزنم یا موضوعی بگم فکر میکنم میخوام معلم بازی در بیارم یا بگم من فقط بلدم، بعضی وقتها از حرف زدن معذب میشم

گروه چهارم: اگه تو انتخابات انجمن بهم رای ندن چی، منو نمیشناسن، اصلا دوست دارن همچین اتفاقی بیفته؟ مدرسه اجازه میده؟ هیچ شناختی از من ندارن راجع به من چی فکر کنن.

گروه پنجم: هرکدوم تو به شهریم و این امکان قرار حضوری رو برامون سخت میکنه